



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد بنگاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

رویای بانوی مسلمان ایرانی



رویای بانوی مسلمان ایرانی

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی حجت الاسلام حسین مهدی زاده
در رویداد ملی هجرت ۳؛ خانه سلیمانی می باشد.



تاریخ چاپ: تیرماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: رویای بانوی مسلمان ایرانی

سخنران: حجت الاسلام حسین مهدی زاده

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: روایتگری، رویاسازی، قدرت تخیل، خانه اصیل، متاورس

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۴۰۱۰۸۱۴

تاریخ نشر: تیرماه ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاما نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.

فهرست

- ۱..... مقدمه اول: روایتگری
- ۳..... مقدمه دوم: هماهنگی طبیعت و صنعت
- ۴..... لزوم هماهنگی طبیعت و صنعت در جامعه اسلامی
- ۵..... مقدمه سوم: روایتگری و رویای اجتماعی
- ۶..... اهمیت ویژه قوه تخیل در روایتگری و رشد عقلانیت
- ۷..... جمع بندی سه مقدمه
- ۷..... غفلت از روایتگری در میان جریان‌های مذهبی
- ۸..... حمله غرب به قداست خانه و رویای بانوی ایرانی
- ۱۰..... رویای خود را بازسازی کنیم
- ۱۱..... رویای وحشتناک غرب برای آینده جهان
- ۱۲..... بجای مرعوب شدن، با حفظ آمادگی، رویای خود را محقق کنیم!



رویای بانوی مسلمان ایرانی

باسمه تعالی

اللهم صل علی محمد و آل محمد

و اهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنک انک تهدی من تشاء الی صراط مستقیم.^۱

مقدمه اول: روایتگری

موضوع مهم و مغفول مانده‌ای که قصد داریم در مورد آن با یکدیگر گفتگو کنیم، مسئله «روایتگری و تصویرسازی» است، بدین معنا که مردم جهان عموماً در راستای ارتقاء خود و نیل به اهدافشان، تصویر و قصه‌ای از آنچه در آن واقع شده‌اند، و یا قصد دارند به آن برسند، نیاز دارند؛

در ایران اسلامی ما نیز خصوصاً اگر مردم فاقد این امر مهم یعنی مسئله «روایتگری و تصویرسازی» باشند، همراهی با ماموریت‌های بزرگی که خودشان در دهه‌های گذشته و بلکه قرن‌ها پیش انتخاب کرده‌اند، یعنی «تشکیل حکومت جهانی عدل الهی»، امر بعیدی خواهد شد؛ برای درک اهمیت این موضوع شما را به روایتی قرآنی توجه می‌دهیم:

خداوند ﷻ در مورد حضرت موسی ﷺ می‌فرماید: «برای او در الواح (تورات) از هر چیزی پندی و برای هر چیزی سخنی روشن نوشتیم؛»^۲ لذا وقتی که ایشان به پیغمبری برگزیده شد و آن علم و آگاهی لازم برای پیامبری یعنی تفصیل همه اشیایی که مورد نیازش بود را به دست آورد، دوست داشت بداند با توجه به این امتیازات، یعنی علمی که دارد و فرستاده خداوند ﷻ است و با او تکلم می‌نماید، آیا با این وجود، باز هم کسی آگاه‌تر از او در زمین وجود دارد یا خیر؟!

توسط خداوند ﷻ آگه شد به این نکته که بله؛ فردی به نام خضر ﷺ وجود دارد که از او داناتر است! پس از خداوند ﷻ اجازه خواست تا با ایشان ملاقات کرده و از جانب ایشان کسب فیض نماید. بعد از طی نمودن مسافت سختی سرانجام ایشان را در محل تلاقی دو دریا پیدا کرده، سپس درخواست خود را مطرح نموده و گفت: آیا اجازه می‌دهید در مقام شاگرد، از شما تبعیت کرده و علمی که موجب رشد من می‌شود را از شما فرا بگیرم؟!

۱- بخشی از تعقیبات نماز صبح: خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به آن حقیقتی که در آن اختلاف شده به

اذن خود راهنمایی کن، تو هرکه را بخواهی به راه راست هدایت می‌کنی.

۲- سوره اعراف آیه ۱۴۵



رویای بانوی مسلمان ایرانی

خضر علیه السلام گفت: «چگونه بر آنچه آگاهی نداری، صبر خواهی کرد؟!»^۱ یعنی چگونه این امر ممکن است با این وجود اینکه که شما هیچ گونه تصویر و روایتی از آنچه من انجام می‌دهم ندارید؟! و به زبان عامیانه آنکه: شما تحمل شاگردی من را ندارید!

و این حرف سنگینی است! خصوصا از طرف کسی که چنان مسئولیتی مانند ایشان نداشته است، برای مخاطبی که خودش پیامبری اولوالعزم و برگزیده بوده و هم صحبت خداوند صلی الله علیه و آله می‌باشد، با وجود این امتیازات منحصر به فرد، به ایشان گفته شود: شما صبر و تحمل این شاگردی و رشدیافتگی را نداشته و نمی‌توانید از عهده‌اش برآید! برای اینکه متوجه شویم چه مطلبی در میان بود که موسای نبی علیه السلام در اوج نبوتش فاقد آن بوده، بایستی به آیات پایانی این داستان^۲ نگاهی بیندازیم!

در آنجا مشاهده می‌کنیم، آنچه خضر علیه السلام از آن مطلع بوده اما موسی علیه السلام از آن اطلاعی نداشته و موجب شد تا از ادامه دادن مسیر باز بماند، سه روایت و داستان کوتاه می‌باشند!

زیرا در آیات پیشین ماموریت‌هایی که آن‌ها قرار بود با یکدیگر انجام بدهند، عبارت بودند از:^۳
(۱) سوار بر یک کشتی شده و آن را معیوب کنند.

(۲) پسر بچه‌ای را بکشند.

(۳) وارد شهری شده و علاوه بر بی‌مهری دیدن از مردم آن شهر، با وجود گرسنگی و تشنگی، به طور رایگان دیوار خرابه‌ای را در آنجا تعمیر کنند!

در طول این مسیر با رخ دادن هر کدام از این اتفاقات، موسی علیه السلام لب به اعتراض گشوده و برخلاف قراری که بین آن‌ها مبنی بر عدم اعتراض، گذاشته شده بود، نقض عهد کرده و علت انجام آن کارها را جویا می‌شد! ما نیز به عنوان مخاطب کلام الهی تا اینجا داستان معمولا حق را به جانب موسی علیه السلام داده و طرفدار ایشان هستیم و کارهای خضر علیه السلام برایمان غیر منطقی به نظر می‌رسد! اما وقتی که خضر علیه السلام آن روایت‌های پشت پرده را توضیح می‌دهد، طبیعتا نظرمان تغییر کرده و جانب ایشان را گرفته و می‌گوییم: ای کاش حضرت موسی علیه السلام بیشتر صبر می‌کرد!

۱- سوره کهف آیه ۶۸

۲- سوره کهف، آیات آیه ۷۸ تا ۸۲

۳- سوره کهف آیات ۷۱ تا ۷۷



رویای بانوی مسلمان ایرانی

آن چیزی که خضر علیه السلام دارد، ولی ظاهراً موسی علیه السلام در آن لحظه ندارد و آن وجه تمایزی که ایشان روی می‌گذارد، یک نوع علم از جنس قصه است که در قالب آن سه داستان مطرح می‌شود.

وقتی که قصه‌ها تعریف می‌شوند، دیگر فهمیدن ماجرا و قضاوت کردن، و صبر نمودن آسان می‌گردد!

مقدمه دوم: هماهنگی طبیعت و صنعت

یکی از قدیمی‌ترین، فنی‌ترین و بنیادی‌ترین مباحثی که دانش حکمت عملی در تاریخ علم مکتوب بشر به ثبت رسانیده، پاسخ به این سوال است که چگونه انسان‌های ذی شعور و صاحب اراده، که موجودی اجتماعی هستند، جامعه را شکل دهند؟! به عبارت دیگر، ساختن جامعه مطلوب توسط انسان‌های ذی شعور میسر است؟!

در پاسخ به این سوال، یک جواب مطرح شده، و آن این مطلب است که گفته‌اند: جامعه یک طبیعت دارد و یک صنعت؛ یعنی اصطلاحاً یک فیزیک^۱ دارد و یک تخته،^۲ بدین صورت که اگر فیزیک و طبیعت جامعه ای ساخته نشود، کثرت تخته و صنعت مفید فایده نخواهد بود!

به عنوان مثال حرکت انسان در جهت آب رودخانه به وسیله صنعتی مثل قایقی که او را از خیس شدن حفظ کند، را اگر در نظر بگیریم، حرکت خلاف جریان آب به مراتب به صنعت پیچیده‌تری نیاز داشته و زحمت بیشتری را نیز به همراه دارد؛ به دلیل آنکه وابسته به شناخت طبیعت آب، تسلط و مدیریت بر آب و شناخت قانون‌مندی‌های این ماده سیال است، همچنین در نظرگرفتن و مهار کردن جاذبه زمین و غلبه نمودن در حرکت بر خلاف جریان آب؛ اینگونه صنعت‌ها زمانی ناشی از خواست و تصمیم یکباره انسان بوده و گاهی هم چالش و مسئله‌ای هستند که در سراسر عمر انسان از موارد ضروری و لازم برشمرده شده و اهمیت بسزایی پیدا می‌کنند مثل: خوراک، پوشاک، مسکن و

لذا اصلی‌ترین مسئله‌ای که حکمت عملی به آن می‌پردازد این است که هر جایی که قصد ورود به آن را دارید، طبیعت حرکت کردن به آن سمت را بیابید!

لفظ صنعت در کتاب‌های حکمت عملی همان «قانون» در زندگی روزمره ماست، با این ملاحظه که اگر قوانین با طبیعت انسان‌ها سازگار و هماهنگ باشد، زندگی را آسان می‌کند و در غیر این صورت انسان قادر به کنترل کردن

۱- Physics به زبان یونانی به معنای طبیعت بوده و علوم فیزیک مطالعه حرکت و رفتار مواد، فضا، زمان، انرژی، نیرو و قواعد حاکم بر طبیعت و ... را برعهده دارند.

۲- Techne: فن، صنعت، هنر



رویای بانوی مسلمان ایرانی

زندگی نبوده و فقط تکلف و زحمتش بیشتر خواهد شد؛ علت این مسئله آن است که قانون درست باید این قابلیت را دارا باشد که یک زندگی طبیعی را مدیریت کند، نه این که دست و پای انسان را در زندگی طبیعی اش ببندد!

لزوم هماهنگی طبیعت و صنعت در جامعه اسلامی

از مقدمه اول و دوم اینطور نتیجه‌گیری می‌کنیم که اگر می‌خواهیم انقلاب اسلامی تداوم داشته باشد، و پروژه^۱ جمهوری اسلامی به تمدنی ختم شود که از اسلام نشأت گرفته باشد، باید همواره مراقبت از این معنا کنیم که طبیعت جامعه‌ای که در حال تولید قوانین و احکام برای آن هستیم، طبیعت سالمی بوده و از فطرت خود خارج نشده باشد. در غیر این صورت با وضع احکام و باید و نبایدهای فقهی، قوانین مجلس، آیین‌نامه‌های دولت، مجازات‌های اعمال شده توسط نیروی انتظامی و ... اگرچه تماما اسلامی هم باشند، با وجود طبیعت بیمار جامعه، این احکام اسلامی و اقدامات، مفید فایده نخواهند بود! به عنوان مثال زمانی که طبیعت جامعه تبدیل به طبیعتی سوداگر، سودجو و مادی‌گرا شده که در آن هر کسی به فکر منافع خودش بوده و همواره مترصد این معناست که چگونه می‌تواند از دیگران به سود خودش نردبان بسازد؟!

خواجه نصیر رحمه‌الله در کتاب اخلاق ناصری در فصل سیاست، بخش دوم که آن را بخش طبیعت و صنعت می‌نامد، این نکته را مفصلا توضیح داده و به این نتیجه می‌رسد که: به دلیل وحدت خالق طبیعت جامعه و شارع احکام یعنی خداوند تعالی، ابتدائا تمامی احکام دین ما با طبیعت جامعه سازگار است. او بیان می‌دارد که طبیعت جامعه بشری بر پایه محبت بوده و صنعت یا همان قانون آن، نیز بر مبنای محبت وضع شده است؛ مانند تشریع و ترغیب به عدالت‌ورزی که بخاطر ترحم به بشر بوده نه بر مبنای ظلم به کثرت و سود بردن اقلیت! زیرا اگر این دو با هم هماهنگی نداشت، شارع به جای امر به عدالت، بایستی احکام را به گونه‌ای وضع می‌نمود که همواره گروهی که سرمایه‌دار هستند از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بوده و دیگران را به بردگی بکشند! اما چنانچه مشهود است، در کتاب رحمتش بیان فرموده که سرمایه اصلی انسان‌ها تقوای الهی بوده^۲ و نبایستی اموال حکومت اسلامی در دست گروهی اندک از ثروتمندان دست بدست شده^۳ و

۱-Project: طرح، ساختار، پروژه متشکل از مجموعه فعالیت‌هایی است که توسط فرد یا افرادی به منظور رسیدن به یک نقطه هدف، تنها برای یک بار، در یک زمان مشخص و در یک مکان انجام می‌پذیرد.

۲- سوره بقره آیه ۱۹۷: وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ ...

۳- سوره حشر آیه ۷: كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ



رویای بانوی مسلمان ایرانی

اکثریت مردم در فقر و اسارت به سر ببرند، به همین دلیل با وضع قوانینی مانند خمس، زکات و انفاق و ... اموال ثروتمندان را تعدیل نموده و از طرف دیگر آزادی بردگان را به عنوان کفاره برخی از گناهان پذیرفته است.^۱

بنابراین اگر طبیعت انسان در جامعه، انسان منفعت طلب و سوداگر بود، احکام اسلامی این گونه وضع نمی شد و احکام دین ما با آنچه اکنون در غرب وجود دارد هماهنگ می شد! به عنوان مثال اگر در فقه ما به زن می گویند: در پرتوی حجاب در جامعه ظاهر شو، و به مرد می گویند: با حفظ حیا و غض بصر^۲ وظایف خود را در اجتماع به انجام برسان، و یا این که اگر قرار است ارتباطی هم بین زن و مرد شکل بگیرد، در محدوده شرع و چارچوب ازدواج و تعهد شکل گرفته، که به کرامت هر دو فرزندان نزدیک تر است؛

لذا این دستورات به این خاطر این وضع شدند که طبیعت جامعه سالم هم خواستار آنهاست؛ یعنی جامعه ای که از فطرت خود خارج نشده، به جای مخالف و دین گریزی، از این احکام الهی استقبال می کند، چون در پرتوی آن ها به آرامش حقیقی می رسد؛ به خلاف جامعه منحط کنونی غربی، که در آن همه چیز دارای قیمت مادی بوده و کالا محسوب شده، حتی امور ارزشمندی مانند عفت و پاکدامنی و یا غیرت و حیا!

زیرا وقتی به جای خداوند تعالی، خود انسان، محور عالم قرار گرفت و هوای نفس او اصل شد، دست به وضع قوانینی می زند که در راستای هوی پرستی به او یاری رسانده و امورش را تسهیل کند؛ بنابراین در این نوع جوامع، رسمیت یافتن ازدواج هم جنس بازان امری کاملاً طبیعی و جزء حقوق بشر شمرده می شود! که اگر عقل سلیمی وجود داشت و حتی در خلقت جسمانی زن و مرد تدبیر می کرد، این قانون را حق بشر به حساب نمی آورد، بلکه ضد طبیعت او قلمداد می کرد، چون که با نوع خلقت و طبیعت او در تضاد است!

مقدمه سوم: روایتگری و رویای اجتماعی

حتی در موفقیت یک کسب و کار ساده، لزوم عقلانیت و تدبیر از لوازم غیر قابل انکار است، و این مسئله یعنی رشد عقلانیت انسان ها همزمان با فلسفه حکمت عملی در طول تاریخ بین حکما مطرح بوده که مسئله های دین، بایستی چگونه بیان شود تا در انسان ها موجب تولید و رشد عقلانیت دینی گردد؟! در چگونگی بالا بردن قدرت تشخیص، تدبیر و عقلانیت انسان، اهمیت به حکایت، قصه و رویای اجتماعی، نقش بسزایی دارد! برای تبیین این

۱- سوره مائده آیه ۸۹: فَكَفَّارَتُهُ ... أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ

۲- کاهش دادن نگاه، حفظ نگاه از دیدن نامحرم



رویای بانوی مسلمان ایرانی

موضوع اجمالاً دو نوع سبک نگارشی و تولید محتوا را بیان می‌کنیم:

الف: سبک مفهومی) که در این روش، نویسنده یک مقاله علمی یا پژوهش، موضوع مورد بحث را صرف نظر از مصادیق خارجی، خصوصیات و قیود جزئی مطرح می‌نماید. به عنوان مثال تشریح یک مفهوم مانند: «صندلی» که در جهان خارج شامل: صندلی مطالعه، صندلی ناهار خوری، (حتی چه بسا مبل تک نفره و یا صندلی توال فرنگی را هم در بر بگیرد!) به صورت توضیح خصوصیات کلی منهای قیود و ذکر یکایک مصادیق جزئی مطرح می‌شود؛ مانند: پایه دار بودن و وجود سطحی برای نشستن تک‌نفره! که بنابراین تعریف منظور نویسنده بر تمامی موارد ذیل آن اطلاق می‌شود. به این روش، سبک مفهومی یا خروجی گرفتن مفهومی گفته می‌شود.

ب: سبک داستانی) در این روش، یک موضوع یا ایده، در قالب حکایت و یک قصه با عناصری مانند: مقدمه‌چینی، خط داستانی، پیش‌آگاهی، کنش‌های صعودی و نزولی، شخصیت پردازی اعم از مثبت و منفی، کشمکش‌ها و .. و نهایتاً نتیجه‌گیری توسط نویسنده طرح می‌شود. که در این قالب مخاطب می‌تواند فضای قصه و مخاطبین و حالات آن‌ها را تصویرسازی کرده و با شخصیت‌های قصه، همزادپنداری کند و گویا با آنها در خیالش زندگی کرده و حتی می‌تواند از تجربیات آنها استفاده کرده و تدابیر بهتری در زندگی شخصی خود اتخاذ نماید، به همین جهت این سبک از نگارش به نسبت خروجی مفهومی در مخاطب اثرگذاری و ماندگاری بیشتری خواهد داشت.

اهمیت ویژه قوه تخیل در روایتگری و رشد عقلانیت

علت این شدت تاثیر شاید به این موضوع مرتبط باشد که ظاهراً مغز انسان بخاطر همان تصویرسازی‌ها و همزادپنداری‌هایی که در خلال روایتگری درک می‌کند، از این نوع محتوا می‌تواند معادلات بیشتری تولید کرده و عقلانیت خود را بهتر از سبک مفهومی تقویت نماید. به همین جهت حکمای جوامع برای ارتباط‌گیری با توده مردم، در کنار نگارش کتاب‌های دقیق علمی یا فقهی، دست به تولید محتواهای هنری و داستانی مانند زبان قصه‌گویی، شعر و حکایات آموزنده، ضرب‌المثل و ... که در خلالش معارف بلند و عمیق اخلاقی، دینی و علمی گنجانده شده بود، می‌زدند که به راحتی می‌توان مشاهده کرد که این گونه ادبیات، بیشتر و ماندگارتر در اذهان مردم در سطوح مختلف و فرهنگ عمومی جامعه ریشه دوانیده است؛

حکما در مورد تعقل و قوه تخیل این اتفاق نظر را دارند که اگر عقل ما کلیات و مفاهیم پیچیده زیادی را درک می‌کند، انجام این کار و ارتباط با عینیات خارجی بدون حلقه واسطه‌ای به نام تخیل ممکن نیست؛ و این قوه تخیل



رویای بانوی مسلمان ایرانی

است که مفاهیم را به نحوی ترکیب کرده و به یکدیگر ارتباط داده و تصویرسازی می‌کند که قوه تعقل قادر به درک آن باشد. به همین خاطر است که فرضا اگر شخصی را از فاصله زمانی دوپست سال گذشته به زمان کنونی منتقل کنیم، و در مقابل عناصری همچون تلویزیون یا تلفن همراه قرار دهیم، او اگر وحشت‌زده شد و یا به این وسایل آسیب رسانید، صحیح نیست مورد ملامت قرار گیرد، زیرا تخیل او در اولین مواجهه شاید این ابزار را با تطبیق بر موارد مشابه زیست‌بومش، صاحب روح و یا مضرر ارزیابی کرده و لذا قادر نیست ابتدائاً با قوه عاقله در خصوص این موارد قضاوت یقینی صحیح و قطعی نماید! به علت آنکه مراتب یقین به ترتیب عبارتند از: جهل مطلق، توهم و خیال، شک، ظن و گمان و در آخرین مرحله رسیدن به علم و یقین، نه در ابتدای امر و اولین مواجهه!

جمع بندی سه مقدمه

بنابراین جمع بندی سه مقدمه‌ای که مطرح شد، بدین صورت است که:

۱) روایتگری را حتی اگر از انبیاء علیهم‌السلام بگیریم، چه بسا با آن همه امتیازات عظیم مانند: برخورداری از علم غیب، تکلم با خداوند تعالی، و علم تفصیلی به کل شیء و ... باز هم قدرت تحمل و صبر برایشان دشوار شود، چه برسد به عموم مردم با امتیازات، علم و ایمان‌های ضعیف‌تر!

۲) هنگام ساخت صنعتی لزوم توجه به طبیعت و اصلاح آن ضروری خواهد بود، لذا اجبار و اکراه مؤونه و تکلف داشته و قدرت تاثیر موقتی و مقطعی خواهد داشت.

۳) بهره‌گیری از هنر روایتگری و استفاده از قوه تخیل، ساخت تصاویر ذهنی، و تولید محتوای داستانی؛ که موجب رشد عقلانیت و تدبیر خواهد شد. حتی در مورد اموری همچون، برگزاری کلاس درس، ساخت خانه، به راه انداختن کسب و کار و ...؛ به گونه‌ای که قبل از انجام این کارها، با یک سفر خیالی، مناسباتی که قرار است رقم بخورد را به وسیله قوه تخیل تصویرسازی ذهنی کرده و حتی روی کاغذ به صورت قصه ثبت کنیم.

غفلت از روایتگری در میان جریانات مذهبی

به نظر می‌رسد یکی از بزرگترین نقاط ضعف جریانات مذهبی در کشور ما حداقل در سال‌های بعد پیروزی انقلاب اسلامی، دعوت مردم به یک سری شعارهای مفهومی و عدم ترسیم تصویرسازی عینی و قابل لمس و تحقیق‌یافته این مفاهیم در فضای عمومی کشور می‌باشد؛

به طوری که عموم مردم کشور و حتی جهان باید بتوانند تصور کنند جهانی که قرار است در آخرازمان توسط



رویای بانوی مسلمان ایرانی

امام زمان علیه السلام رقم بخورد، چگونه خواهد بود؟! و یا اینکه این تمدن نوین اسلامی که مقدمه حکومت جهانی حضرت علیه السلام خواهد بود، چه صورتی خواهد داشت؟!

این اهمیت بدان جهت است که همگان در راستای تحول خود، توانایی و فرصت درک یک سری مفاهیم کلی را ندارند! ولی برای اکثر مردم حداقل درک این تصاویر زیبا از آینده روشن ملموس و تاثیرگذار خواهد بود. لذا طبیعتاً کسانی پای کار نظام اسلامی می‌ایستند، که دست کم یک تصور حداقلی از آن باورها و معارف بلند را درک کرده و مزه شیرین آن را چشیده‌اند، و در این صورت بوده که بسیاری از فداکاران این نظام مقدس حاضر شدند، جهت اعتلای ارزش‌های انقلاب اسلامی شان، حتی از بذل جان و مال و ... نیز دریغی نداشته و خود تبدیل به حقیقتی بر گونه اساطیرشان گردند! و این مسئله دردناکی است که برخی از این افراد مجاهد و صاحب درک، نتوانند برای نسل جدید و حتی فرزندان خود، حقانیت اسلام و جریان انقلاب و امام راحل و شهدای اسلام علیهم السلام را حتی به تصویر بکشند!

این همان مسئله ای است که جهان غرب به خصوص در چندین سال اخیر، هزینه‌های گزافی در آثار هنری خود مانند سینما و بازی‌هایی ویدیویی و ... برای به تصویر کشیدن ارزش‌های خود متحمل شده و خود را به عنوان ناجی بشر در سطح جهان معرفی کرده است و موفق شده تاکنون بسیاری از رویاهای خود را در سطح جهانی به واقعیت تبدیل کند! اهمیت روایتگری و تصویرسازی به قدری مهم است که مقام معظم رهبری علیه السلام نیز در موارد بسیاری در مورد مصادره آن اعلام خطر کرده و مکرراً هشدار داده‌اند:

«شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت

می‌کند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند.»^۱

حمله غرب به قداست خانه و رویای بانوی ایرانی

خانواده کوچکترین نهاد اجتماعی است که در بستر «خانه» آرامش یافته و فعالیت‌های خویش را رقم می‌زند؛ از ویژگی‌های مهم خانه می‌توان به مرکزی جهت ساماندهی اعضای خانواده بودن، محلی برای انواع مشاغل و مسئولیت‌ها، و حتی ارتباط گیرنده با کسب و کار خارج از آن، پایگاهی در راستای معاشرت با اجتماع، من جمله همسایگان و بستگان، و مأمنی برای نقش مهم و فعال زن، اشاره کرد؛ که از قدیم‌الایام خانه اصیل، همواره خانه‌ای

۱- بیانات رهبر انقلاب دام ظلّه در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت ۱۴۰۰/۰۹/۲۱



رویای بانوی مسلمان ایرانی

بوده که زن در آن کنشگری و تحرک ارزشمندی داشته و هویت خویش را در آن باز می‌یافته است؛ و هرچند در گذشته به اشتباه نام «ضعیفه»، بر او می‌نهادند! اما همه اعضای خانواده اذعان به این نکته داشته‌اند که در نبود کدبانوی خانه، خانه از اعتبار «خانه‌بودن» می‌افتد! اکنون باید بررسی کرد که چه اتفاقی افتاده که برخی از زنان جامعه ما احساس تغییر وضع موجود و انقلاب کردن به معنای جنبش آزادی‌خواهی، کشف حجاب و خواستار برابری حقوق با مردان را در خود پیدا کرده‌اند؟!

یکی از عوامل احساس نابسامانی در زنان جامعه، از زمانی آغاز می‌شود که خانه از کارکردهای اصلی خود تهی شود؛ پیدایش این معنا را در دوریشه می‌توان جستجو نمود. ابتدا روایتگری ناصحیح و تغییر نگرش به زندگی و حوادث است و دیگری تغییر در سبک معماری!

در روایتگری و تغییر نگرش، امروز دشمن با استفاده از رسانه و هنر، با تولید فیلم‌ها و سریال‌ها و بازیهای ویدیویی و ... روایت‌های دیگری را از حوادث و خصوصا زنان جامعه ارائه می‌کند؛ روایت‌هایی که در آنها ارزش‌های جامعه ما مانند حیا و غیرت به صورت ضد ارزش معرفی کرده، و بالعکس اموری که واقعا با فطرت زنان و فرهنگ جامعه ما مغایر است مانند جلوه‌گری و کشف حجاب را به صورت ارزش مطرح می‌نمایند! اهمیت روایتگری تا حدی است که اگر فرضا بانویی سابقا در راه حجاب ایستادگی می‌نمود و آن را ارزش می‌انگاشت، با تغییر یافتن روایت و نگرش، اکنون چه بسا این کار را حماقت فرض کرده و دیگر ایستادگی و مقاومت در راه بی‌حجابی را ارزش می‌انگارد و به آن افتخار می‌کند!

زیرا «اگر روایت انسانی از معنایی تغییر کند، حس مقاومت و همراهی نیز در او واژگونه می‌شود!».

و مسئله مهم دیگر در سبک زندگی و فرهنگ اسلامی - ایرانی جامعه ماست، مانند زندگی آپارتمان نشینی و طرح خانه‌های ۲۵ متری که اخیرا جنجال‌های زیادی به پا کرده است، به شدت بنیان‌های خانه و خانواده و هویت زن ایرانی را مورد هجوم قرار داده، و هزینه‌های پنهان فراوانی را به جامعه تحمیل می‌کند؛ خانه‌هایی که در گذشته‌ای نه چندان دور آرامش بخش بودند و دارای حجاب، چه سمعی یا بصری، و همراه با وسعت کافی و فضای سبز، حیاط، حوض، سرداب و ... اکنون به آسمان خراش‌هایی تبدیل شده‌اند که به لانه یا زندان بیشتر شباهت داشته و به تدریج در حال در نوردیدن تمامی ارزش‌های خانه و بنیان‌های اصیل جامعه هستند! و اگر از سوی جریانات طرفدار این سبک از معماری ادعا می‌شود که این اصلاحات در راستای حمایت از زنان انجام می‌یابد، در پاسخ گفته می‌شود: پس چرا در زنان



رویای بانوی مسلمان ایرانی

جامعه ما به نسبت گذشته احساس آرامش، بهره‌وری، حس مادرانه، همسری، کارآمدی و کدبانویی کاهش یافته است؟! و چرا شاهد قیام زنان و خارج شدن معترضان آنها از این گونه خانه‌ها هستیم؟! طبیعی است که هر انسانی خواستار آزادی است و اگر آزادی مشروع او توسط قوانین دیکته شده از غرب در جامعه سلب شده و او را از حق طبیعی خود در این خانه‌هایی که ربطی هم به فرهنگ ما ندارد بازداشته و خانه‌ها را تبدیل به زندان و ساکنین آنجا را به زندانی تبدیل کنند، یا حریم خانه‌ها برداشته و راه برای کشف حجاب در جامعه هموار نمایند، بدیهی است که زنانی که در این نوع خانه‌ها محبوس شده و از طبیعت و اصالت خود فاصله گرفته‌اند، از اهتمام به وظایف و نقش ارزشمند خود در خانواده تهی گشته و راهی جز خروج از این خانه‌ها و اعلام اعتراض با این وجه نابسامان در عرصه اجتماع نمی‌یابند!

رویای خود را بازسازی کنیم...

مع الاسف اوضاعی که تشریح شد، وضعیتی است که اکنون تا حدودی گریبان جامعه ما را گرفته، اما زنان اصیل جامعه اسلامی ایران، در طول تاریخ اثبات کرده‌اند که در هر شرایطی دست از اصالت و ارزش‌های والای خود برنمی‌دارند! راهکاری که در پیش روی ما قرار دارد احیای فرهنگ اصیل و هویت ریشه دارمان است که با فطرت و طبیعت ما سازگار است؛ لذا اکنون وقت آن فرا رسیده که رویای جدیدی بسازیم، باید خودمان را در آن خانه‌های جدید تصور کرده و آن تصور را به روایت و حکایت قصه‌گونه تبدیل کنیم و آنگاه این قصه را نسخه به نسخه اصلاح و ارتقا بخشیم! دانه به دانه اجزای این خانه را از نو بچینیم؛ و نگاه کنیم که از چه راهی و چگونه ارتباطات اجتماعی ارزش‌مدار ما مجدداً برقرار می‌شود؟! چه لوازم و وسایلی در خانه‌هایمان با هر وسعت و توانی که داریم، باید قرار گرفته و چینش آنها بایستی چگونه باشد؟ و چه وسایلی اضافی هستند و باید از آن خارج گردند؟ باید ببینیم آیا لوازم و اسباب خانه‌هایمان بی دلیل رها شده‌اند و یا از ترتیب و چینش هر کدام، هدفی داریم؟! چه راه‌هایی برای تغییر معماری و افزایش وسعت خانه و بازگشت به ارزش‌های اصیل فرهنگی اسلامی ایرانی‌مان می‌شناسیم؟ و در این راستا چه اقداماتی انجام داده‌ایم؟ یا اگر قصد خرید خانه داریم، چه محله‌ای مناسب‌تر است؟ و بسیاری موارد دیگر... که تمامی این رویاها و قصه‌ها بایستی ناظر به احیای سنت‌های فاخر فراموش شده و ارزش‌های بی‌بدلیل فرهنگ اصیل کشور و زنان کدبانو و کارآمدی باشد که همواره کانون تولید سرمایه‌های عظیم اجتماعی و تحول‌های بزرگ تاریخی بوده‌اند.

و دیگر آنکه در این رویاهایمان در مورد روابط خود و اصلاح آن هم بنویسیم؛ روابط مومنانه‌ای که اگر وجود نداشته باشند، خانه‌های وسیع نیز کارآمد نخواهند بود! مانند چگونگی ارتباط مادر و فرزندان یا همسران یا یکدیگر و... باید



رویای بانوی مسلمان ایرانی

ترسیم کنیم که چه مهارت‌های ارتباطی می‌تواند وجود داشته باشد که موجب می‌شود تا والدین احساس پیری و فرسودگی نکنند؟! یا چه برخوردی در استحکام روابط زوجین با یکدیگر و والدین با فرزندان می‌تواند تصور شود که منجر به این امر گردد که خانه‌های سالمندان و یتیم‌خانه‌ها، کمترین سکنه را داشته و خانه‌های عادی مردم از بیشترین درصد بهره‌مندی، انس، الفت و نشاط برخوردار باشند؟ و نیز این طیف روابط چه نوع تحصیلاتی نیاز دارند؟ و یا در چه مهارت‌هایی به اندازه مقطع دکتری و بالاتر چه رسمی و چه تجربی باید سواد داشت، و چه نوع تحصیلات و مهارت‌ها و حرفه‌هایی هرچه بیشتر انجام شوند، خانه و خانواده و یا پدر، مادر و فرزندان را از رسالت عظیم و ارزش‌های بی‌بدلیشان دورتر می‌سازند؟!

متأسفانه زبان قصه و روایت خصوصاً در این صد سال اخیر در ایران بسیار تضعیف شده است! ما بایستی یاد بگیریم که این زبان و قلم روایی را در زندگی خودمان احیا کرده و به مقاله‌های علمی و پژوهشی و مدارک رنگارنگ اکتفا نکنیم! و در روایت کردن نیز از این مهم همواره مراقبت کنیم که اگر می‌خواهیم در مورد چیزی تخیل و فکر کنیم، خیلی خودمان را به امروز و وضع کنونی پایبند نکنیم! انسان‌ها یا قصه دارند و یا قصه دیگران را روایت می‌کنند، سعی کنیم اگر قصه خوبی نیافتیم، خوبی‌ها را روایت کنیم و اگر اکنون خوبی ندیدیم، آینده‌های خوب را روایت کنیم؛ و در این مسیر باید رویایی فکر کرد و رویایی نوشت! باید خود را از شکست‌ها و ناکامی‌ها رها کرده و خودمان، فکرمان، خانه و جامعه‌مان را از نو و در بهترین حالت‌ها تصور کرده و بازنویسی و بازسازی کنیم؛ چرا که:

«کسی که از مطلوب ننویسد، در اکنون گیر می‌افتد!»

رویای وحشتناک غرب برای آینده جهان

جهان غرب در تولید محتوای تخیلی خود که تا حدود زیادی به واقعیت تبدیل شده است، یک رویای بسیار جدی دیگر را برای مردم جهان تا سال ۲۰۵۰ تا ۲۰۷۰ در نظر دارد! اکنون در زمانی زیست می‌کنیم که اکثر بچه‌های اکوسیستم نوآوری و استارت‌آپ‌ها^۱ غرق در فیلم دیدن هستند! اما سوال اینجاست که آنها مشغول تماشای چه نوع محتوا یا سرگرمی

۱- Startup ecosystem: اکوسیستم استارت‌آپی به مجموعه‌ای از افراد و شرکت‌ها گفته می‌شود که در فضای کارآفرینی با همکاری و تعامل با یکدیگر در حال پیشرفت بوده و هر کدام در یک زمینه خاص مانند برنامه نویسی، طراحی، بازاریابی، مدیریت و ... تخصص دارند. این افراد برای پیدا کردن مشکلات روزمره به دنبال راه‌حل‌های نوین و خلاقانه هستند...



رویای بانوی مسلمان ایرانی

یا بازی‌هایی هستند؟! عمدتاً محتوایی را مشاهده می‌کنند که تکنولوژی متاورس^۱ را در آینده به تصویر می‌کشد! اما اتفاقی که توسط این فیلم‌ها و بازی‌ها و نقل اخبارشان و ... به تدریج در حال رخ دادن است، عادت کردن و خو گرفتن به این سبک از زندگی و تفریح، سرگرمی، کسب و کار، سرمایه‌گذاری در فضا و تجهیزاتی است که تولیدات عمده و مدیرپیش در دست دشمنان بشریت قرار دارد!

این رویا بر خلاف تصویر ظاهراً زیبایی که دارد یکی از وحشتناک‌ترین کابوس‌هایی است که در طول تاریخ به بشریت به چشم خود دیده است! اتفاقی که وقوعش از سال ۲۰۱۵ میلادی جدی‌تر شده و تا سال ۲۰۷۰ قصد تحقق عمده آن را دارند؛ مشابه چنین تحولی حداقل ۱۰۰۰ سال زمان نیاز دارد، در صورتی که آن‌ها می‌خواهند عصاره‌اش را به یکباره به خورد بشریت دهند و او نیز با آغوش باز پذیرای آن بوده و زمینه را برای تحققش هموار نماید!

بجای مرعوب شدن، با حفظ آمادگی، رویای خود را محقق کنیم!

سعی کنیم در مورد اتفاقاتی که زمانی واقعا در حد تخیل و رویا بوده و اکنون به واقعیت تبدیل شده، و راهکارهای آماده‌شدن و پیش‌بینی خطرات احتمالی آن‌ها بیشتر تفکر و مطالعه کنیم؛ از موج سوم تافلر^۲ تا فیلم‌های سینمایی که راجع به آینده ساخته می‌شود، مانند: ردی پلیس وان اسپیلبرگ^۳ و سریال آپلود^۴ که خیلی‌ها آن را دیده‌اند و سایر فیلم‌ها و سریال‌های تخیلی که از اتفاقات آینده بشر حکایت کرده و یا از فناوری‌ها و دستاوردهایی که اکنون قابل مشاهده و استفاده هستند، کوشش کنیم بیشتر اطلاعات کسب نماییم.

متوجه باشیم این آینده تخیلی که در مورد آن صحبت شد، برای ۵۰ سال آینده نیست! بلکه تنها در یک قلم آن،

۱- Metaverse technology: فناوری متاورس به دنیایی مجازی گفته می‌شود که کاربران آن می‌توانند با استفاده از هوش مصنوعی و ابزارهای مخصوصی مثل عینک و صفحات نمایشگر دیگر، وارد واقعیات مجازی شده و زندگی رویاگونه‌ای را تجربه کنند.

۲- موج سوم کتابی مشهور از «الوین تافلر Alvin Toffler» است. که بعد از کتاب شوک آینده وی نوشته شده و در سال ۱۹۸۰ منتشر شده است. کتاب الوین تافلر مراحل گذر کشورهای توسعه‌یافته از انقلاب صنعتی به عصر اطلاعات را توصیف می‌کند.

۳- Ready Player One: فیلمی در ژانر و سبک علمی-تخیلی به کارگردانی «استیون اسپیلبرگ Steven Allan Spielberg» است که در سال ۲۰۱۸ منتشر شد. این فیلم دنیای متاورس را در برابر مخاطب به تصویر می‌کشد.

۴- Upload: یک مجموعه تلویزیونی علمی-تخیلی و طنز آمریکایی به کارگردانی «گرگ دنیلز Greg Daniels» است. این مجموعه تلویزیونی در ۱ مه ۲۰۲۰ توسط «پرایم ویدئو Prime Video» (پرایم ویدئو یکی از خدمات شرکت اینترنتی آمازون است که همکاری گسترده‌ای با فیلمسازان دنیا دارد) منتشر شد.



رویای بانوی مسلمان ایرانی

قرار است در همین ۱۵ تا ۲۰ سال آینده، بیش از ۸۰۰ میلیون نفر شغلشان را از دست بدهند.^۱ که با این وجود در واقع بشر باید برای مطابقت با شرایط جدید این‌ها پوست اندازی کرده و به موجود دیگری تبدیل شود یا اینکه زیر چرخ توسعه و پیشرفت پرشتاب تحولات آینده خرد شود!... در رویاهایی که آن‌ها با جدیت دنبال می‌کنند، خانه‌های آینده انسان‌ها قرار است تبدیل به سلول‌هایی شبیه ماهی‌های در درون لیوان شده که باید وسعت را بجای مکان حقیقی در فضای مجازی و متاورس جستجو نموده و بجای احساس واقعی و ملموس طبیعی، اکثر لذت‌هایشان را توسط حسگرهای مخصوص در فضای خیالی و مجازی جستجو و ادراک نمایند!

و این نکته مهم است که باید مستحضر باشیم، در مقابله با این فضا و شرایط، اگر صحیح این امر است که ما هم باید به دنبال رویاسازی و تحقق رویاهای خودمان باشیم، قرار نیست که ما قصه زندگی‌مان را در یک گوشه متروکه و به دور از فضای کلی جامعه بسازیم! چنانکه کلیت انقلاب اسلامی هم در مقابله با آن رویای آن‌ها باید آمادگی لازم را برای جایگزینی طرح مطلوب یعنی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در شکل‌گیری تمدن نوین جهانی اسلام دارا باشد.

و در پایان سعی کنیم قلم و عقلانیت روایی، قصه‌گونه، حکایتی و روایی خودمان را در کنار عقلانیت مفهومی توسعه داده و مطمئن باشیم چیزی از آن کم نیامده، و قلم و زبان روایی، توسعه دهنده عقلانیت مفهومی و علمی است نه محدود کننده آن.

السلامة علیکم

۱- به گزارش خبرنگار مهر (mehrnews.com/xKnBW) به نقل از بلومبرگ انگلیسی، شرکت خدمات مشاوره‌ای «مکنزی» آمریکا، در تازه‌ترین تحقیق خود در مورد تاثیر روایات‌ها بر روی مشاغل، در گزارشی عنوان کرد: با توجه به بررسی‌های انجام گرفته بر روی ۴۶ کشور و بیش از ۸۰۰ شغل، برآورد می‌شود تا سال ۲۰۳۰ میلادی، ۸۰۰ میلیون نفر در سر تا سر جهان، شغل خود را به روایات‌ها واگذار کنند.



مقام معظم رهبری دامت ظلّه:

«شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند...»

(دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت با رهبر معظم انقلاب؛ ۱۴۰۰/۰۹/۲۱)

اهمیت روایتگری تا حدی است که اگر فرضاً بانویی سابقاً در راه حجاب ایستادگی می‌نمود و آن را ارزش می‌انگاشت، با تغییر یافتن روایت و نگرش، اکنون چه بسا این کار را حماقت فرض کرده و دیگر ایستادگی و مقاومت در راه بی‌حجابی را ارزش می‌انگارد و به آن افتخار می‌کند! زیرا «اگر روایت انسانی از معنایی تغییر کند، حس مقاومت و همراهی نیز در او واژگونه می‌شود!». انسان‌ها یا قصه دارند و یا قصه دیگران را روایت می‌کنند، سعی کنیم اگر قصه خوبی نیافتیم، خوبی‌ها را روایت کنیم و اگر اکنون خوبی ندیدیم، آینده‌های خوب را روایت کنیم، و در نظر داشته باشیم که:

«بی‌روایتی ترسناک‌تر از روایت ترسناک است؛

و کسی که از مطلوب ننویسد، در اکنون گیر می‌افتد...»